

حقیقت

۱۷ خرداد ۱۳۵۹

شماره ۲۵

جبهه مقاومت کردستان را بر پایه های

انقلابی بنیان گذاریم

جنگ تحمیلی کردستان " فتح " سندج ، توجارتش
کما کان با شدت تمام ادامه با و پاسداران درو هله اول به
دارد و محافل جنگ افروز و با نه و سر دشت و سپس به مها باد
پشتیبانان آنان خیال قبول و بوکان جلب شده و اخبار
آتش بس و پایان دادن به رسیده از با نه نشان دهنده
این جنگ را ندارند. بدنبال (بقیه در صفحه ۳)

کودتا چنان واقعی رد گم میکنند ، زمینه سازان کودتا به آنها پامید دهند

کودتای کمک کرده ، برخی
از آنها در آن دست دارند ،
مادر این رابطه مصرانه
خواسته ایم که هر چه سریعتر
(بقیه در صفحه ۲)

این روزها همه محبت
از یک کودتای قریب الوقوع
آمریکائی می نمایند ، شک
نباید داشت که امیریا لیم
آمریکا و راجع زخم خورده
ایران در تدارک جنین
کودتائی هستند و از همسرو
به جمع آوری قوا و سازمان
دهی و تبلیغات مشغول می
باشند. ما بر اهمیت این
مسئله و ضرورت هوشیاری
همگان در برابر آن بارها
تاکید کرده و مراکز اصلی
کودتا خیز را چه در درون
ارتش ، چه سرمایه داران
وابسته و فتودالها و عمال و
مزدوران ساواک و جاسوسان
امیریا لیم افشاء نموده ایم
و علاوه بر آن با اشاره به
شواهد گوناگونی نشان
داده ایم که چگونه نیروهای
بورژوازی لیبرال و سران
حزب جمهوری اسلامی در
عمل چه بداند و چه نداند
به مهیا شدن زمینه جنین

چگونه نماینده کارتر نمایند مردم آمریکا شد؟!

۱۵ آبان : رمزی
کلارک ، به نمایندگی از طرف
رئیس جمهور آمریکا ، جیمی
کارتر ، آنایس از انخال
جاسوسخانه آمریکا توسط
" دانشجویان مسلمان بیرو
خط امام " برای حل و فصل
ماجرای به ایران روانه می
شود. ولی با پیام رزنده
آیت الله خمینی مبنی بر
ممنوع ساختن هرگونه مذا
کره ای با این هیئت بدنهاد ،
رمزی کلارک در نیمه راه متوق
قف شده و دست از پا دراز تر
به آمریکا مراجعت میکند.
(بقیه در صفحه ۵)

شیخ فضل اله نوری

وامثالش

نوری مغل آسایش و مفسداست و
تصرفش در امور حرام است
فتوای مراجع سه گانه نجف
درباره شیخ فضل اله
انقلابیون مشروطه بخاطر
مخالفت شان با اندیشه های
(بقیه در صفحه ۶)

بار دیگر نام تنگین
شیخ فضل اله نوری بر بالای
منبرها و سکوها و عیظ و
خطابه به گوش میرسد و عده ای
در عزای اعدام انقلابی وی
مرثیه میخوانند. خامنه ای
در خطبه نماز جمعه خود از
سالروز با صلاح شهادت شیخ
فضل اله یاد کرده وی را با
خمینی ، ولوای مشروعه
طلبی وی را با " انقلاب
اسلامی " خمینی ، مقایسه می
کند و به آزا دیخواهان و

اخبار مهم از خوزستان

شوراهای کارگری تحت حمله قرار
گرفته اند!
صفحات ۱۰ و ۱۱

ساواکی، یکی در جزوه "نگاهی کوتاه به توطئه آمریکا" (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) و دیگری در روزنامه

کودتاگران واقعی...

(بقیه از صفحه اول)

با پدیده پای سرکوب توده‌های منابع اصلی کودتا در داخل کشور، در ارتش و قوای سه گانه، کانونهای توطئه‌گر خوانین عشایر، فئودالها، سرمایه‌داران وابسته، شبکه‌های مخفی ساواک و جاسوسان بیگانه، جناحی از روحانیت که بگرد روحانی‌ها و شریعتمداری‌ها حلقه زده‌اند و عناصرمعلوم الحال چون بهشتی، رفسنجانی، حجازی فلسفی و منالیم، و عمال وابسته به سفارت‌های انگلستان آلمان غربی پرداخت و از همه سوزمینه‌های مقاومت در برابر این کودتا و خنثی ساختن آنرا فراهم آورد، زبویزه مراجعه کنید به "حقیقت" شماره ۷۱). ما در اینجا با ردیگربرخواستنه‌های عاجل فوق تاکید کرده، ضرورت از میان برداشتن این پنج منبع اصلی کودتا خیز را تکرار می‌نمایم.

در همین شرایط دست اندرکاران سیاه کودتا، کارزار مسمومی را جهت منحرف ساختن اذهان عمومی و ردگم کردن آغاز کرده‌اند و میکوشند تا نیروهای انقلابی سدره کودتا را به بهانه مقابله با کودتای آمریکائی از میان بردارند و در حالیکه منابع اصلی کودتا به کار خود مشغولند، کارزار خونینی را بر علیه نیروهای انقلابی دام‌ن‌زنند. شاهد این مدعا، دونا مه‌ایست که از طرف دو

"جمهوری اسلامی" (۶ خرداد ۵۹) زیر عنوان "گوشه‌هایی از توطئه‌های گسترده آمریکا در ایران" چاپ شده است. این دوساواکی با اصطلاح نادم و پشیمان، هردو در آغاز نامه‌ها نشان که قرار است برده از نقشه‌های کودتاگران آمریکا و عمال رژیم سابق بردارند، برای ملت ما اشک تمساح ریخته خود را طرفدار مردم و انقلاب ما نشان داده‌اند و خواسته‌اند تا بدین وسیله "خیانت‌های گذشته" را "کمی جبران" کرده باشند و "دین" خود را به انقلاب "ادا" نمایند. آنها هردو اذعان داشته‌اند که از اعضاء گروهها مخفی ساواک بوده، بر علیه انقلاب ما توطئه‌چینی می‌نمایند، لکن ظاهراً از روی "ندامت" و "پشیمانی"، خواسته‌اند تا از این توطئه‌ها پرده بردارند و مردم را در جریان برنامۀ کودتا چنان بگذارند. اما آنچه بوضوح از لابلای "افشاگری"های آنان بیرون می‌زند و دستشان را رو می‌کند، دسیسۀ شومی است که زیر لوای "مبارزه بر علیه کودتا" ضدنیروهای انقلابی چیده‌اند و هدفی نیز مگر تحریک بر علیه انقلاب و نیروهای مبارز و پرده‌پوش شدن بر منابع واقعی کودتا نداشته، بدین وسیله خیال ردگم کردن نیاندازند.

در نامه ساواکی اول

(مندرج در جزوه مجاهدین انقلاب اسلامی)، "کودتا" قرار است شش "مرحله" را طی کند و در این مراحل، منبع اصلی نقشه‌ها، "کردستان" و "احزاب و گروههای کردستان" و "چند نفر از روسای این احزاب و گروهها" قلمداد شده که قرار است "کشتار فوجیهانه‌ای" بر راه بیاندازند و "ارتش و پاسداران از زمین بپروند" و "سعی به خروج پاسداران از کردستان" بکنند و بعد "اعلام کردستان آزاد و مستقل" را بنمایند و از "آمریکا و انگلیس و اسرائیل، مصر و آفریقای جنوبی"، "تقاضای کمک نظامی" کنند و آنها نیز به این "تقاضا" پاسخ مثبت بدهند. هم‌راه با این حرکت قرار است در جاهای دیگر نیز آشوب به پا کنند و بدین منظور از "جرم‌های فداکاری خلق" استفاده خواهند کرد که "کثیف‌تر از رهبران نشان کسی در دنیا پیدا نمی‌شود". نیروهای "مثل چریک‌های فدائیان خلق و کمونیست‌های درون ارتش" که "مزدوران محانی" آمریکای قلمداد شده‌اند قرار است تمام "مراکز دینی و مقبره‌های دینی" را با بمباران و حمله از زمین بپروند. بعد از این کار قرار است که نیروهای طرفدار آمریکا کودتای دومی را در مقابل این کودتای اولی که زیر نام کمونیست‌ها صورت گرفته‌اند انجام دهند و به "خونخواهی" بلند شوند و کودتای دوم و نهائی را به سرانجام برسانند. در نتیجه‌گیری از این سناریو، ساواکی نویسنده نامه از جمله پیشنهادهای کرده است که "ارتش‌های مسلمان باید گروه‌های چپ، نارضی و فعالیتهای آنان را در ارتش بعنوان وظیفه ملی

خود کنترل و در صورت احساس از حرکت مشکوک آن را به مقامات مورد اعتماد خود گزارش دهند" و در مورد کردستان هم پیشنهاد شده که "نیابتدکودتاهای کرد" و "دولت و ارتش نیابتدیه جنگ طولانی دست بزنند" و بزبان بی‌زبانی پیشنهاد شده که سرکوب مبارزات مردم کردستان با شدت و سرعت دنبال شود.

در نامه ساواکی دوم (مندرج در "جمهوری اسلامی" ۶ خرداد ۵۹) که در ادامه همین سناریو نوشته شده است، مسائل با صراحت به مراتب بیشتری عنوان شده‌اند. ساواکی نویسنده نامه زمینه‌ها و کسانی که قرار است در کودتا دست داشته باشند و وظایف خودش را بدین شرح ردیف کرده است. "جلب همکاری افرادی را ضی و اخراجی"، "جلب همکاری افرادی که در سازمانهای دولتی و ارتش نارضی‌اند" و "وادار کردن آنها به نوشتن شعارها و نوشتن درود بر خلق قهرمان کرد و بلوچ و ترکمن و خلق عرب"، "جلب همکاری بعضی از خبرنگاران... از گروه‌های مخالف، جهت دریافت خبرها و عکسهای وقایع کردستان و گنبد و دانشگاه و...". "جلب همکاری برخی از شوراها در سازمانهای دولتی که غالباً از گروه‌های مخالف‌اند"، "جلب همکاری دانشجویان و استادان نارضی و بخصوص محلی... البته از گروه‌های مخالف جهت پخش تراکت‌های بظا هر کمونیستی و اعلامیه‌های با متن تند و کوبنده بعنوان مثلاً کارگران بیکار رهاوار سازمان فلان یا اتحادیه کارگران و یا اعلامیه‌هایی با عنوان توطئه جمهوری اسلامی علیه خلقها و کارگران بیکار"

بقیه در صفحه ۴

حقیقت

جبهه مقاومت کردستان ...

(بقیه از صفحه اول)

با ییدر برابر تهدیدات این ابرقدرت غارت گرم متحد و مسلح گردند. از این روشک نیست که همه نیروهای مبارز و انقلابی

آنست که نیروهای کمکی ارتش و پاسدار پس از تحمل تلفات و خسارات بسیار سنگین وارد شهر شده اند، لاکن هنوز در سطح شهر جنگ ادامه داشته پیشمرگان قهرمان خلق کرد، راه پیشرفت ارتش و پاسداران جنگ افروز را سد کرده اند و در برابر این تنها جمارتجاعی شجاعانه مقاومت می ورزند. دامنه جنگ تحمیلی از شهرها به روستاها نیز کشیده شده و هلیکوپترهای ارتش دهسات و ساکنین واحشام آنان را به رگبار می بندند.

و همه آنهائی که خواستار آزادی و استقلال ایران می باشند، مخالف این جنگ تحمیلی بوده، قطع هر چه فوری تر آنرا طلب می نمایند و از ادامه این جنگ بیزارند. خلق کرد در برابر این جنگ تحمیلی، که همه دستاورد های انقلابی شان را در معرض نابودی قرار میداد، جاره ای جز مقاومت نداشتند و مقاومت آنان کاملاً بر حسق و اصولی و انقلابی میباشند و آنهائی که بعناوین مختلف میکوشند تا در دل این خلق دلاور تخم یاس و تسلیم طلبی بپاشند، در عمل به خواست های مردم کردستان و همه مردم ایران پشت کرده، مبارزات مردم کردستان را وجهه المعامله زدو بندهای خویش می گردانند.

جنگ کردستان زمانی به خلق دلاور کرد تحمیل شد که دشمن غذا و مردم ایران، امپریالیسم آمریکا، نیروهای نظامی و ناوگان تجاوز گرش را در نزدیکی مرزهای ایران و در دهانه خلیج فارس مستقر کرده و به تهدیدات خویش ادامه می دهد. این جنگ زمانی به خلق دلاور کرد و همه مردم ایران تحمیل شد که نیروهای رژیم فاشیستی تکریتی عراق در نوار مرزی جنوب غربی کشور به تجاوزات و حملات آشکار خود ادامه داده، توپخانه شان استحکامات ایرانی را در هم میکوبد، این جنگ زمانی به خلق دلاور کرد تحمیل شد که، مردم ما بیش از هر زمان دیگری به وحدت و یکپارچگی در برابر امپریالیسم آمریکا نیاز داشته،

مضمون مبارزات مردم کردستان، همگان مضمون انقلاب دموکراتیک و ضدامپریالیستی مردم سرتا سرایران است و هر نوع انحراف از این مضمون، چه به "چپ" و چه به راست، عملاً به مفهوم فراهم ساختن زمینه های شکست این مبارزات و جدائی اش از انقلاب دموکراتیک و ضدامپریالیستی مردم سرتا سرایران میباشند. رسیدگی به خواسته های عاجل دهقانان کرد، که همان خواسته های همه دهقانان مردم ایران در ماده و تقسیم اراضی

زمین داران بزرگ است، بعنوان ستون فقرات هر خواست دموکراتیک دیگری چون خودمختاری و آزادی های سیاسی، با ییدر دستور کار فوری همه نیروهای انقلابی قرار داشته باشد تا با اجرای آن، پشتگاه مطمئن و محکمی جهت پیروزی و تداوم انقلاب چه در کردستان و چه در سرتا سرایران فراهم آید. ما این مسئله را بارها و بارها تکرار کرده ایم و صدها بار دیگر نیز تکرار خواهیم کرد، که خودمختاری بدون اتکاء به زحمتکشان شهر و دهقانان تا مین خواسته های دهقانان و زحمتکشان شهری، از طریق سپردن کلیه امور به شوراهای دهقانی و شهری، امری ناروا و بیغایت نادرست است و به آن نمی توان نام خودمختاری واقعی و انقلابی نهاد. این "خودمختاری" نه تنها کمکی به تداوم انقلاب ایران نخواهد کرد، بلکه در عمل آنرا یک گام به عقب برده، در نهایت در برابر آن خواهد ایستاد. تبلیغ خودمختاری بدون تا مین خواسته های اساسی زحمتکشان شهری و دهقانان، مبارزه بر اساس آن، برای دوران طولانی نمی تواند دوام بیاورد و به تدریج نیروهای زحمتکش از آن جدا، راه خود را خواهند پیمود و غیر از گروهی از روشنفکران و خرده بورژوازی مرفه شهری و ده بورژوازی و دستهای از ملاکان، هیچ کس آنرا دنبال نخواهد کرد و در نهایت نیز آب به آسیاب دشمنان طبقاتی کارگران و دهقانان خواهد ریخت. نیروهای فعال و انقلابی کردستان باید از گذشته درس بگیرند و تجربیات نهضت های گذشته را همیشه در خاطر داشته باشند و هر چه سریعتر به پای بس

طرف کردن این نقطه ضعف اساسی بروند. این انحراف و کمبود اساسی هم اکنون نتایج اولیه خویش را نشان داده و در آینده نیز بیشتر نشان خواهد داد.

رکن دیگر مبارزه، یعنی مبارزه ضدامپریالیستی می باشد. باید تا بیای این مبارزه دموکراتیک و در ارتباط با آن به پیش برود و تجربه تاریخی نشان داده و تجربه کردستان امروز نشان میدهد و باز هم نشان خواهد داد، که تنها با تکیه بر زحمتکشان و بر اساس تا مین خواسته های اساسی آنان میتوان یک مبارزه ضدامپریالیستی پیروز مند را به پیش برد و صفوف نهضت را از ناخالصی ها و نیروهای مکار و وابسته پاک گرداند. علاوه بر این مبارزه علیه امپریالیسم، یک کلیت را تشکیل داده، با مماشات با یک امپریالیست به حساب مبارزه با امپریالیسم دیگر سخت بیگانه میباشند. این چنین "مبارزه ای" عملی و گداب رقابت و ساخت و پخت های امپریالیستها و ویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه غرق شده، نه تنها به کسب استقلال واقعی نائل نخواهد شد، بلکه مبارزه استقلال طلبانه مردم ایران را یک گام به عقب برده، ارباب جدیدی را جایگزین ارباب قدیم خواهد گرداند. از این روملاک تشخیص صداقت نیروهای غیر زحمتکش در مبارزه علیه امپریالیسم، همانا اینست که اینان آیا تکیه بر ملت ایران دارند و یا تکیه بر بزرگ نیروی امپریالیستی دیگر. آیا خواهان آنند که امپریالیسم، در هر شکل و لباس و پوشی از ایران برود و یا میخواهند یکی را بقیه در صفحه ۵

" طرح شاعر بر علیه انتخابات که تقلب شده " ، " طرح شاعر آزادی زندانیان گروهها سیاسی " ، " طرح شاعر حل مسئله بیکاران و

کودتا " جازده است و به دروغ چنین ادعا کرده که عمکرد این گروهها و سازمانها مورد پشتیبانی آمریکا و ارتجاع میباشد. در نتیجه پیام شوم ایندونا مبروشن است :

مادر " حقیقت " های ۷۱ و ۷۲ در مقالاتی زیر عنوان " زمینه سازان کودتا را هم بشناسید " ، به نقش محافل حاکمه ، بسو- ر ژوازی لیبرال و سوران " حزب جمهوری اسلامی " در آب و جارو کشی برای کودتا - چنان ، از طریق حمایت از عوامل و زمینه های اصلی کودتا و محاسبات با امپریال- لیسم اشاره کردیم و انیک با توجه به چاپ و تبلیغ نامه های توطئه آمیز ایندوسا و اکی در انتشارات " سازمان مجا- هدین انقلاب اسلامی " و " حزب جمهوری اسلامی " آشکارا می بینیم که این نیروها در عمل به تبلیغ خط ویرنا مه شوم سا واک پرداخته، در ضدیت با جنبش انقلابی مردم ما به برنامهای کار- گزاران کودتا یا میدهند، آری ، هرکس که دم از کودتا و مقابله با آن زد، مخالف کودتا نیست، اینروزها کودتا شده اند. *

برای مقابله با کودتای آمریکا ، اولاً کاری به کار ارتش نداشته باشید و نایا گروههای چپ رای- کوبید. عامل اصلی کودتا را آزاد نگذارید و عامل مقابله با کودتا را بکوبید. اینست " رهنمود " ایندو سا و اکی .

کودتاگران واقعی ...

(بقیه از صفحه ۲)

حل مسئله کردستان از طریق مذاکره و نه قتل عام " . هرکس که ایندونا مه را با دقت بخواند و از برخی اشارات شاعرگونه که صرفاً برای خالی نبودن عریضه طرح شده اند بگذرد، حداقل متوجه دو نکته اساسی می- گردد. اول اینکه در ایندو نامه، در هیچ کجا اشاره ای به ارتش و کانونهای کودتا خیز فعال در این ارتش و بخصوص در سطوح بالای آن نشده است و اگر هم از ارتش نام برده شده، در حمایت از آن و در تشویق به اقدامات کشتار در کردستان میباشد. آنجائی هم که از ارتش نام برده شده، صراحتاً قید شده که منظوراً برای " بساز- نشسته " و " فراری " می- باشد و نه فرماندهان مزدور و ریاکاری که هم اکنون زیر لوای ارتش جمهوری اسلامی فعالیت می نمایند. از اینرو منطقی نیز هست که رهنمود این نامه ها جهت تصفیه ارتش متوجه فرماندهان و عناصر با زمانه نبوده و بلکه صراحتاً متوجه " گروههای چپ " میباشد. دوم اینکه ایندونا مه با ظرافت و زیرکی خاصی " عوامل " و " زمینه- های " کودتا را در " گروه- های چپ و مخالف " جستجو کرده، فعالیت های گوناگون این گروهها را بعنوان فعالیتها ئی " در خدمت

" جلب همکاری و پخش شایعات توسط افرادی که قبلاً ذکر شد " ، " شایعاتی از قبیل " در جریان دانشگاه ۲۸۵ نفر کشته و ۳۰۰ نفر زخمی شدند (عجب شایعه دروغی !!) و " شرکت در تشییع جنازه " کسانی که در شهرها ئی چون تهران و غیره کشته میشوند " بخصوص " اگر کشته شده " از گروههای مخالف " باشد و " تکثیر و پخش " عکس های " عزالدین حسینی " و اعلامیه های گروههای مخالف " از جمله کارها ئی که سا و اکی فوق ادعا کرده از جانبشان صورت گرفته میتوان به " نوشتن شعارهای تحریک آمیز چون کار- بسکن - آزادی " و " اریز کردن پولهای کلان به حساب گروهها و سازمانهای مخالف مثل پیکار - سازمان فدائی خلق - و دیگر گروهها مخالف ، اتحادیه کمونیستها راه کارگر " و " تبلیغ بین افراد کودتاشینها و کشا و رزان که تقسیم زمین و خانه ههای حرفه است " اشاره کرد . سا و اکی در ادامه نامه خود ادعا میکنند که " عوامل " کودتا در داخل در " گروههای مخالف و بخصوص گروههای چپ " فعالیت میکنند و شعارها ئی نیز که تبلیغ میکنند از جمله عبارتند از، " باز شدن دانشگاهها در صورتیکه تعطیل شوند " ، " انحلال کمیته ها و پاس- داران در برخی از شهرها " ،

گفتنی است

که این " رهنمود " ها یکسال پیش از دهان کشیف تهرانی جلاد بیرون آمد و به همیمن نیروها گفت که بیاید بر علیه کمونیستها با یکدیگر متحد شویم ، حال با گذشت بیش از یکسال همان " رهنمودها " به زبان دیگری و به بهانه دیگری از طرف سا واک عنوان شده است .

گفتنی های مالی خود را بهر طریق ممکن ارسال نمائید

گفتگوی کارگران " شرکت مسکن ... " (بقیه از صفحه ۱۰)

کارگران جا نیکه همه کارگران صحبت های او را بشنوند و او هم جواب همه را بدهد. ولی بهمنی قبول نمیکرد و میگفت : ما شما یک روزی دیگر میآئیم و در مجمع شرکت میکنیم ! در آخر دمش را لای پایش گذاشت و در حالیکه زنا را حتی ندان قروجه میرفت و پاسداران مسلح از این فدکا رگرمجا- فظت میکردند از کارگاه دررفت . *

حقیقت

خودبکشاند. وچریک های فدائی نیزکه جندی است آشکارا نزدیکی خود را به " حزب توده " و " حزب دموکرات " اعلام

جبهه مقاومت کردستان ...

داشته اند، بر سر برنا ماه " خودمختاری " حزب دموکرات توافق کرده، بنام " نیروهای مسئول " حساب خود را از دیگران جدا نموده

جا یگزین دیگری نمایند. ما بر اساس آنچه در بالا گفته ایم، از همان آغاز، حساب خود را از نیروهای وابسته ای چون حزب دموکرات و حزب توده و کسانی که آگاهانه با اینان همراهی و مماشات می نمایند جدا کردیم و از همه نیروهای انقلابی و مترقی نیز طلب کردیم که چنین نکنند. اما تکیه بر منافع روزمره و زودگذر و تدوین سیاست بر این اساس، که همانا ویژگی بارز فرصت طلبی است، مانع از آن شد تا دیگران چنین نکنند و در نتیجه در کردستان جبهه های حقیقتا انقلابی که بر اساس دورکن پیش گفته استوار است - شد بوجود نیامد و در عوض جبهه ها و ائتلافهای ساخته شده امروز دیگر حتی برای ناباورترین افراد نیز بی شماری و مضر بودن خود را نشان داده است.

" حزب دموکرات کردستان " و " سازمان چریک های خلق " اخیرا " پیامی " زیر عنوان " نیروهای سیاسی مسئول در کردستان " منتشر کردند و رهبری حزب دموکرات، که از مدت ها پیش در خفا و آشکارا به زد و بند با جنگ افروزان و معاویه بر سر خواسته های به حق خلق کرد مشغول بود و در عمل " هیئت نمایندگی خلق کرد " را به هیچ گرفته بود، توانست چریکهای فدائی را بدنبال

است. " شورای شهر مهاباد "، که در بست در اختیار رهبری حزب دموکرات است و اینرا مادتها قبل اعلام کردیم و از برسمیت شناختن آن بعنوان نماینده مردم کردستان خودداری کردیم، در اعلامیه ای کومه - لهر " نوکران شاه " خوانده کثیف ترین اتهامات را به آنها وارد ساخته است و شکافی را که از مدت ها قبل وجود داشته را علنی نموده است. آیا وقت آن نرسیده که

خود جا بگویی مردم کردستان باشند. *

چگونه نماینده کارتر ...

از جندی پیش چهره ریاکارانه ای بخود گرفت و با اصطلاح " مخالف جنگ ویتنام " شد تا بتواند با این ماسک در مواقع ضروری بتواند برای امپریالیسم آمریکا متمر شمراتی شود. اینک در عرض ۷ ماه رمزی کلارک میتواند از نماینده کارتر به نام مردم آمریکا بدل شود، و آن اینک در عرض این مدت چقدر مبارزه فدا می کرده است، تا جاییکه این فرد مزدور را که زمانی از مرزهای ایران ردش کردند، امروز با سلام

۱۰ خرداد ۷ مابعد رمزی کلارک بعنوان سرپرست هیئت آمریکایی در " کنفرانس بررسی مداخلات و جنایات آمریکا در ایران " با وجود " مخاطرات فراوان " شرکت میکند. آیا خواب نمی بینیم؟ مگر میشود ۷ ماه پیش او نماینده کارتر، " شیطان بزرگ " باشد و امروز نماینده " مردم آمریکا " متحدین ما؟! نه خواب نمی بینیم، این عین واقعیت است. جناب رمزی کلارک، از در نتوانست وارد شود از پنجره وارد شد. بعنوان نماینده کارتر نتوانست برای مذاکره بیاید، بعنوان نماینده " مردم " می آید. چه فرق میکند؟ مذاکره مذاکره است، سازش هم سازش است، چه بهتر تحت نام " مردم " ایران و آمریکا این سازش صورت گیرد؟! رمزی کلارک، که بر گزار کنندگان سازشکار " کنفرانس " اورا این چنین بزرگ میکنند، یکی از طرفداران بانددندی می باشد و خود از جاسوسان سیاه می باشد. این مردک جاسوس،

و صلوات واردش میکنند. جناب قطب زاده هم سر مست و خوشحال از این " تحول " میفرمایند: " من از بعضی هیاتهای شرکت کننده در کنفرانس خواسته ام که با من ملاقات خصوصی داشته باشیم ... بعنوان فرد، آقای رمزی کلارک از این قاعده مستثنی نخواهد بود. البته با ایشان بعنوان نماینده دولت آمریکا وارد گفتگو نخواهم شد. " (انقلاب اسلامی ۱۳ خرداد ۵۹) راستی مگر ایشان بعنوان " نماینده " دولت آمریکا هستند؟ کسی چه میداند. شاید امپریالیسم آمریکا خواسته است اعمال جنایتکارانه آمریکا را " محکوم " کند؟! *

حقیقت

ارگان اتحادیه
کمونیستهای ایران
را بخوانید و پخش کنید

شیخ فضل اله...

بقیه از صفحه اول

کارها بدست ملایانی از قماش خودشان افتاده و بساط فعال مایشائیی ایشان گسترده تر خواهد گشت. آنها با

فتنه جو یا نه و حرکت ارتجاعی شیخ دشنام میدهد، رادیو - تلویزیون در ستایش از شیخ نامبرده برنامہ میگذارد و روشنفکرانی که قشری مسلکی را برای جاه طلبی خود مساعده دیده اند برای قهرمان سازی از شیخ فضل اله به تحریف و تقلب در تاریخ مشغول می - شوند.

شیخ فضل اله نوری که بود چه میخواست؟ شیخ فضل اله یکی از بزرگترین بدخواهان انقلاب مشروطه بود که هفتاد و سه سال پیش از این، در روز پس از فتح تهران بدست قوای مشروطه و برکناری محمدعلیشاه از تخت سلطنت، به خواست مردم به دار آویخته شد. وی دشمن سرسخت آزادی، یار و غمخوار استبداد دپوسیده قاجاری و همدست استعمار خونخوار روسیه تزاری در کشور ما بود. نوری نماینده آن جناح از روحانیون ایران بود که پس از چند صبحی همراهی مصلحتی با مشروطه خواهان ناگهان علم مخالفت با انقلاب و هواداری از استبداد بلند کرده و بنا به دفاع از دین و شریعت شرارت های بزرگی مرتکب شدند. این جناح از روحانیون و شیخ فضل اله در رأس آنها خود جزئی از اشراف و اعیان زمان ویا وابسته به ایشان بودند و تصورشان از جوش و خروش انقلابی مردم و تشکیل مجلس شورای این بود که از این پس

مشاهده تضعیف نهادهائی مانند مکتب خانه های نوع قدیم، محاکم شرعی و نامطمئن شدن از درآمدها پیش از موافقات و اشراف و غیره، و ضرباتی که اشاعه افکار جدید به خرافات مذهبی می زد، به خود آمده و طالب امتیازات ویژه ای برای روحانیت در دولت و دستگاه استبداد و تقویت بنیاد خود کما مگسی و گرفته قاجاری بکمک مذهب و روحانیت بودند. منظور آنها از مجلس شورای مجلسی از اشراف فئودال و روحانیون بلند مرتبه بود و تصورشان از مبارزه برای تشکیل مجلس شورای مبارزه برای قبولانیدن نظارت علمای روحانی بر دولت و جنبه قانونی دادن به آن بود. این بود که این دسته از روحانیون به مجرد آنکه خود را با تقاضای آزادی خواهان بورژوازی و خرده بورژوازی و تدوین یک قانون اساسی، که نظارت و شراکت نمایندگان انتخابی مردم را در کار دولت برسمیت می شناخت، مواجه دیدند، علم مخالفت برافراشته و انقلاب را با مصالح قشری و فئودالی خویش متعارف یافتند. آنها دست در دست عمال دربار محمد علی شاه و قزاقان امپراطوری روس، به عجله در صد حفظ کاخ زیرضر به استبداد و اشراف قاجاری برآمده و در تهران و تبریز و دیگر جاها بساط فتنه و فساد عظیمی را بپا کردند.

شیخ فضل اله نوری به فتوای قلمداد را این جریان ضد انقلابی در آن زمان مخالفت خود را با اساس آزادی و مشروطه بنام "نجات اسلام" و "شریعت خواهی" عنوان کرد. او به قصداً غوای خلق و بسط منظور تبدیل مجلس شورا به مجلسی از اعیان روحانیون توانگرا از قماش خودش لفظ "اسلامی" را بپا نه کرده می - گفت باید مجلس شورای ملی شود و مشروطه، مشروع گردید؛ یعنی تابع شریعت من در -

● شیخ فضل اله نوری بعنوان علمدار این جریان ضد انقلابی در آن زمان مخالفت خود را با اساس آزادی و مشروطه بنام "نجات اسلام" و "شریعت خواهی" عنوان کرد. او به قصداً غوای خلق و بسط منظور تبدیل مجلس شورا به مجلسی از اعیان و روحانیون توانگرا از قماش خودش، لفظ "اسلامی" را بپا نه کرده میگفت باید مجلس شورای ملی مجلس شورای اسلامی خوانده شود و مشروطه، مشروع گردید؛ یعنی تابع شریعت من در آوردی روحانیون از قماش او و شریعتمداری حضرات شود.

آوردی روحانیون از قماش او و شریعتمداری حضرات شود. در حالیکه مراجع سه گانه نجف یا را به وی اخطار کرده بودند که دست از این حرفها بکش و حتی حاج سید عبدالسه ما زندرانی، که از مراجع هوادار مشروطه بود، هواداران "مشروع" را "گاومجسم" خوانده و گفته بود "مشروطه مشروع نمیشود!"

سدی را در برابر هج - سوم استعمار بیگانه و استقلال کشور بنا کنند و اصولا هیچ در اندیشه توده و کشور نبودند. مشروع طلبان مشتی از ملایان خیره سروا و بساط جیره خوار و وابسته دربار و اشراف قاجاری بودند که دین و اسلامی گری را بپا نه کرده از استبداد در برابر آزادی و از ارتجاع در برابر ترقی - خواهان زمان پشتیبانی می کردند. آنها کارشان تا سرحد خیانت به کشور کشیده شده و با امپریالیسم فئودال مآب

● شیخ فضل اله نوری بعنوان علمدار این جریان ضد انقلابی در آن زمان مخالفت خود را با اساس آزادی و مشروطه بنام "نجات اسلام" و "شریعت خواهی" عنوان کرد. او به قصداً غوای خلق و بسط منظور تبدیل مجلس شورا به مجلسی از اعیان و روحانیون توانگرا از قماش خودش، لفظ "اسلامی" را بپا نه کرده میگفت باید مجلس شورای ملی مجلس شورای اسلامی خوانده شود و مشروطه، مشروع گردید؛ یعنی تابع شریعت من در آوردی روحانیون از قماش او و شریعتمداری حضرات شود.

روسیه تزاری علیه انقلاب ایران متحد شدند. شیخ فضل اله خود یکی از توانگران ورشو خواران بنا بود که همیشه بساط تعیش وی براه و اندازه جاه طلبی اش از حد بیرون بود و در کار دنیا حرص بسیار میزد. او با همه آثار ترقی مخالفت میورزی - شد، آزادیهای سیاسی را مخالف شرع محمدی و مایه "اشاعه فحشاء در دین اسلام" می شمرد، درس زبان خارجه و علوم دقیقه مانند فیزیک و شیمی را "سخیف" و ضعیف کننده عقاید شاگردان میدانست و با انتشار کتب و افتتاح مدارس دشمنی نشان میداد. او شیفته استبداد و حکومت مطلقه سلطنتی بود و علنا اعلام می - داشت:

(بقیه در صفحه ۷)

حقیقت

● ما اهالی ایران شاه لازم داریم، عین الدوله لازم داریم، چوب و فلک و میر غضب لازم داریم، ملا و غیر ملا، سید و غیر سید، باید در اطاعت حاکم و شاه باشند، برای یک آخوند که چوب خورده است نباید مملکتی را بهم انداخت... مشروطه و جمهوری را در روزنامه‌ها سم بگردن و منشاء فساد شدن مشروع نیست.

از افاضات شیخ فضل اله

شیخ فضل الله...

بقیه از صفحه ۶

"ما اهالی ایران شاه لازم داریم، عین الدوله لازم داریم چوب فلک و میر غضب لازم داریم ملا و غیر ملا، سید و غیر سید، باید در اطاعت حاکم و شاه باشند، برای یک آخوند که چوب خورده است نباید مملکتی را بهم انداخت... مشروطه و جمهوری را در روزنامه‌ها سم بگردن و منشاء فساد شدن، مشروع نیست" بدینسان شیخ فضل الله از محمد علی شاه، شاه سفاک قاجار سرخشانه حمایت میکرد و مشروطه و جمهوری را منشاء فساد می داند و علنا ابسراز میداشت که "هر کس اسم مشروطه را ببرد با یسار او را بکشید!"

دارودسته‌های مشروطه بی فرمان شیخ فضل اله و همدستان مرتجع او چون میرزا حسن مجتهد تبریزی، سید علی آقا یزدی و دیگران، و با پشتیبانی ملاکاظم رشتی مزدور در نجف، در همان اوان تشکیل مجلس اول مشروطه در تهران و تبریز و قزوین و سایر جاها با پول‌هایی که از دربار و امثال اتابک اعظم نوکر روس بدستان میرسید جما عتی از او باش و اشار بر سر خود گرد آورده به چاقمقداری در شهرها، تهدید و ارباب مردم و قتل و غارت برخواستند، هدف آنها ترساندن مردم از امر مبارزه برای آزادی و دموکراسی، ایجاد تفرقه و تشتت در میان آنها بنا مبدین و شریعت، قلع و قمع انقلاب بیرون و آزادیخواهان و تهیه

مقدمات پیشروی دوباره ارتجاع و استبداد مزدور محمد علی شاه بود، با آنکه مجلس اول با پیش گرفتن روشی سازشکارانه و فشیار اشراف و روحانیون سازشکار طبق خواست شیخ فضل الله حقوق ویژه‌ای در رد و تصویب قوانین و انطباق آنها با احکام شرعی برای روحانیت قائل گشت و شیخ از آن پس به وفاداری به قانون اساسی سوگند خورد، باز دست از دشمنی با مشروطه‌خواهان و مجلس برنمیداشت. پس از کودتای محمد علی شاه، در دوره استبداد صغیر، شیخ فضل اله نوری، این آغاز "انقلاب اسلامی" دروغین، عملاً نقش صدراعظم دربار قاجاری را ایفاء می کرد و خود کا ما ندر همه جا دستور کشتار آزادیخواهان و مجاهدان انقلابی را میداد. شیخ فضل اله در جریان محاصره تبریز قهرمان، که مجاهدان دلیر آن به رهبری ستارخان علیه کودتای قیام کرده بودند، با بیرحمی خاصی فتوای کشتار اهالی شهر و بستان راه آذوقه به روی مردم تبریز را میداد. شیخ فضل اله و دارودسته‌های مشروطه‌چی دست در دست دربار و فئودال‌های مرتجع برای سرکوب تبریز قهرمان با سپاه تاج و زگر روسیه تزاری همکاری کرده و در پناه بیرق امپراتوری روس راه وطن فروشی و خیانت به کشور عزیز

گرفتند، طرفداران شیخ و مشروعه‌ها کذائی او در استقبالی از گلوله‌باران توپخانه‌های قشون روس، که تبریز و آذر - با یجان را به اشغال وحشیانه خود در آورده بودند، میگفتند: قربانت ای صدای توپ که مشروطه‌خواهان را میکشی، و خود شیخ نیز گفته بود که "اگر روس وارد شود، دین ما را قوت خواهند داد."

فتنه‌گری‌ها و جنایات بی شمار شیخ فضل اله نوری کینه و نفرت مردم را نسبت به شیخ برانگیخت، و پس از فتح تهران و برگزینی محمد علی شاه یکی از خواسته‌های اولیه مردم مجازات نوری بود. به علاوه مراجع سه‌گانه نجف، شادروانان ملاکاظم آخوند خراسانی، سید عبداله مازندرانی، میرزا حسین تهران - نی، که هواداری از آزادی و مشروطه میکردند، شیخ فضل اله را از درجه فتوای واجتهد ساقط و اعلام کردند که "نوری مخل آسایش و مفداست و تصرف در امور حرام است". در ادعای نامه‌ها بدستان دادگاه انقلابی شیخ فضل اله نوری "مفسد فی الارض" تشخیص داده شد و محکوم به اعدام گردید. بدینسان شیخ تبهکار و خیانت پیشه را به میدان توپخانه برده و در میان غریب و فریاد هزاران مردمی که استبداد و قلداری و خیانت را محکوم میکردند و بر شیخ و دارودسته اولیعت میفرستادند بدار و بختند.

بدینسان امروز یسار شیخ فضل اله اگر امی داشتن و از "شهادت" وی دم

زند، و یا درباره کارهای گویا انقلابی و مقاصد باصلاح خیرخواها نه‌وی قصه پردازی کردن، یا از راه نادانسی است و یا دشمنی غرضمندانها آزادی و سنت‌های آزادی - خواها نه‌وا انقلابی مردم است. بدون شک نقش شیخ فضل اله نوری در انقلاب مشروطه ایران و نقش آیت - اله خمینی در انقلاب کنونی، آنطور که برخی از روحانیون و روشنفکران هوادار خمینی و یا حتی شاید خود وی می - پندارند، یکی نبوده و نیست، اگر چه در افکار مذهبی این دو شخصیت تاریخی تشابه‌گام وجود داشته‌باشد و هر دو بنام هواداری از "دین" و "رواج شریعت" با خاسته و بکار برد لغت "اسلامی" بر پشت هر عبارتی و تشکیل حکومت اسلامی یا مشروعه یا فئاری کرده باشند. شیخ فضل اله نوری در آن زمان در حکم ستون استبداد فئودالی و ارتجاع بود و با رژیم کودتای محمد علی شاه و امپریالیسم فئودال - بندر روس علیه آزادی و استقلال کشور ساخت و خود نیز شخصی توانگر، رشوه‌خوار و بلهوس و بقول معروف دنیا پرست بود. این درست است که در آن زمان عده‌ای بنا م تجدید خواهی و ملی‌گری سیاست انگلیس و جناحی از اشراف و شروتمندان ناراضی را پیش میبردند، ولی اولاً این عده به همراه سازشکاران روحانی و غیر روحانی کاملاً حاضر به مدارا و کناره‌مندی با شیخ فضل اله و دستگاره‌وی بودند و

(بقیه در صفحه ۸)

چه کسانی با آتش زدن کارخانه...

بقیه از صفحه ۱۶

وستا بیل خاموش ساختن حریق قبل از آتش زدن شده بود. دنده لوله های آب آتش نشانی قطع بوده است. همچنین تعدادی بلندوزر که در نزدیکی محل آتش سوزی بودند، قبلاً دستکاری شده بودند (پیچ های کارتیل شان با زبوده و روغن موتورشان خالی شده بود). با استفاده از بلندوزرها و خراب کردن دیوارها میتوانستند کمک موثری به اطفاء حریق بنمایند.

شاید همه قوی و پایداری در بین همه کارگران کارخانه ناسه رواج دارد مبنی بر اینکه اینکار را در اثر تضادهای برخی از با زمانندگان رژیم سابق و سایر واکی های هنوز در خدمت ماند (به لطف سازشکاران ریاهی را بیچ در مملکت) و بدست آنان صورت پذیرفته است.

رئیس حراست و حفاظت کارخانه که تعداد زیادی مسامورین تحت نظرش هستند، فریدی است بنا بر فریزر عباس خانی که دوستی نزدیکی با رئیس سابق حفاظت که یک ساواکی بنا مپری نژاد بود و اکنون فراری است دارد.

کارخانه قند و زول هنوز آغاز بازسازی و در حال نصب میباید. شرکت ماشین سازی اراک بیما نکار نصب

بقیه از صفحه ۱۱
و کارگران و کارکنان مبارزان خارج و با دستگیر کنند. شورا های مبارزان منحل نمایند. اگر زمینه آماده بود ساواکی ها و کارکنان تصفیه شده بوسیله کارکنان راه و باره برگردانند. تعطیلی پنجاه ها را پس بگیرد. تولید بیشتر "نظم" برپا کنند. جا سوس در کارگاهها گذاشته شده است. بعضی عناصر انقلابی شناخته شده را کاملاً کنترل میکنند، ساعاتی که در محل معین و موعود سرکارشان نبودند، باید با زوجی شوند تا معلوم شود کجا بودند... ولی بخاطر یک چاره نبودن سیاست هیئت حاکمه، اینجاها هم نمیتوانند یک سیاست همگون را پیش ببرند، و تضادها نمایان میشود... هر جا با مبارزه قاطع و اتحاد کارگران روبرو شدند موقتاً عقب مینشینند.

شیخ فضل اله...

بقیه از صفحه ۷

همینها هم بودند که قبل از هر کس بر سر نویساندن دومین بنده متمم قانون اساسی، که حق و توبه روحانیون میداد، با شیخ فضل اله و دارودسته اش کنار آمدند؛ ثانیاً تجدید خواهی و ملی گری حتی بشکل افراطی خود در آن زمان به پرچمی بر علیه استبداد قرون وسطائی قاجار و مزدور منشی درباریان و اشراف تبدیل شده بود و در ادبیات و شعارهای ترقی خواهان و مردم آن زمان رواج بسیار داشت. در آن زمان "دین" و "شریعت" پرستی دست و پزی برای مقابله با موج انقلاب مردم و دفاع از استبداد و استعمار حامی آن شده بود، مما بصورتی که امروز "با رکعت به خویشتن" اسلامی و افکار مذهبی حتی افراطی به وسیله ای برای برانگیختن توده ها علیه استبداد فرنگی نمای پهلوی و حامیان امپریالیست آن تبدیل شده بود. در آن زمان مخالفت فوق ارتجاعی درون روحانیون و اشراف فتووالی ایران برای دفاع از موجودیت خود و کشتادن مردم به کمراهی و تشتت و بیگانگی برای سرکوب انقلاب به دین و شریعت، افکار افراطی مذهبی و خوب تکفیر ملامهای گردن کلفت و فاسد متوسط شدند، همانطور که امروز مخالفت فوق ارتجاعی درون روحانیون و اعیان کمپرا دور - طلاق برای دفاع از موجودیت خود و کشتادن مردم

مبارزه بر سر مسکن مسکن

یکی از مسائلی که پیش روی زحمتکشان و بخصوص گودنشینان و حاشینه نشینان تهران قرار دارد، مساله مسکن میباشد. در رفع و حل این مشکل، طی چند ماه گذشته ساختمانهای خالی بسیاری در نقاط مختلف شهر با بتکار زحمتکشان مصادره گشته است و با لطیف مردم در اینجا ماینکار درگیریهای بسیار زیادی گف کثرا با زدو خورد و تیراندازی نیز همراه بوده با پاسداران و کمیتهها داشتهاند. مسئولین امور و در اساتنها خروسا هسی در رابطه با مساله مسکن - به انواع تهدیدات و کلکها متوسل شده اند تا بلکه مردم را از این ساختمانها خارج کنند که البته در مقابل اتحاد محکم و مبارزه شدید اهالی ساکن در این ساختمانها بی اثر بوده است. خروساها حمله و توطئه اخیر خود را در اخراج زحمتکشان از ساختمانهای مصادره شده و با قلچلو گیری از مصادره ساختمانهای بیشتری توسط مردم با دستگیری شخصی بنام حسین بگائی (رئیس کمیته ضربتی مسکن که در مصادره و اشغال ساختمانهای تسبیلاتی فراهم مینمود و بدین دلیل مورد غضب خروسا هسی و مورد علاقه اهالی ساکن در این ساختمانها میباشد) شروع کرده است. در جریان تعقیب و دستگیری بگائی، خانوادههای ساکن در ساختمانها که خطر را احساس کرده بودند دست به مبارزه ای چند روزه زدند که در این مختصر گزارش میشود.

بسیج اهالی ساختمان -

ها و شروع حرکت آنها از همان زمانی شروع میشود که مساله مورد تعقیب بودن بگائی مطرح شد (۲۵ اردیبهشت). مردم، بمحض شنیدن این خبر خود را بمنزل او رسانیده و مشغول محافظت از منزل او شدند که پاسدارها مزاحم زن و بچه این شخص نشوند و فقط زمانی که متوجه شدند بگائی در خانه نیست از آن محل دور شدند. به هر حال مبارزه اصلی مردم از روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت یعنی زمانیکه حسین بگائی دستگیر و زندانی شد آغاز گشت. شب هنگام ساعت ۱۲ چند نفر پاسدار به خانه این شخص حمله کرده و او را قبل از اینکه بتواند لباسهايش را عوض کند کشان کشان میبردند. بدینحال این جریان، توده ای از زحمتکشان ساختمانها به خیابان فلسطین جلوی نخست وزیر می ریزند و شب را تا صبح در آنجا بسر میبرند.

از روز شنبه ساختمانهای بیشتری خبر را دریافت کردند و از آنجا شیکه همه این عمل را شروع یورشی بساختمانها تلقی میکردند به سادگی بسیج شده و فعالان در این مبارزه شرکت کردند. بهر حال روز شنبه جمعیتی حدود ۴۰۰۰ نفر از اهالی ساختمانها و همچنین افرادی خانه ابتدا مقابل ستاد در خیابان فلسطین جمع شده و سپس از آنجا بطرف نخست وزیر راه پیمانی آغاز میگردد. شعارهای این تظاهرات عمدتا بگردد آزادی بگائی متمرکز بود و البته سعی میکردند که رابطه این مساله را با خود نشان دهند

ومثلا میگفتند "تنها جرم این یا آن ارگان میگذشت بگائی، کمک به مستضعفان" و مثلا جمعیت پیرا از متشکل شدن غیره. این جمعیت در مقابل اینبار به سمت دادستانی رفته نخست وزیر بی حالت تحصن در وسط خیابان نشستند. پس از چندی، وقتی دیدند کسی آنجا متحصن شدند، پس از چندی در نخست وزیری وقتی با عتیر - که دیدند بی تاثیر است و اض آنها نمیگذارد علیرغم رهنمود برخی ها که میگفتند مخالفت نمایندگان نشان ازجا برخاسته و با شعار "مرگ بر آمریکا، بگائی آزاد باید گری داد" به در نخست وزیری بیورش بردند که در این موقع جمع شدند. طبیعی است که در یکی از نمایندگان فریاد زد "مردم صبر کنید من حکم بگائی را گرفتم، او در زندان اوین است و ما به نمایندگی از طرف شما به آنجا رفته و او را آزاد خواهیم کرد". و بدین طریق مردم را پراکنده کردند و خود به زندان اوین مراجعه کردند و در آنجا دیدند که حکم بگائی تنها حامل سؤال ازجا نسب بنی صدرات مبنی بر اینک "جرم بگائی چیست؟" که اینها هم جواب داده بودند "خلالگری" شروع شد. جلوی خانه امام مردم جلوی درب زمین نشستند، اما در آنجا نیز اجازه ورود به نمایندگان داده نشد و گفتند بما مربوط نیست و باید به ارگانهای اجرائی رجوع کنید. مردم در مقابل این بی توجهی شروع به دادن شعار "بگائی ساختمانها رسیده و مردم را دیگر آزاد باید گردد" نمودند و آنقدر داد و مداد دند تا خلخال از خانه بیرون آمد و گفت "خیالتان راحت باشد، کسی نمیتواند شمارا از خانه بپرتان بیرون کند". اما جمعیت در مقابل فریاد زدند "ما برای خانه بیا اینجا نیا مدها ییم و یک جریان سیاسی در شهر وزیر بلکه آزادی بگائی را می - فشار قرار دادن مسئولین امور بیشتر حرکت مردم به رجوع به

گفتگوی کارگران شرکت گسترش مسکن

اهواز بایک ضد کارگر

تعیین کننده است ، همچنان ما نندگذاشته ۴۰ ساعت کار رسمی - کنیم و پنجشنبه ها هم تعطیل .

حرف دیگر بهمنی این بود که وقت کار با بید دیگری با شد نه یک سره (وقت کار کارگاه از ساعت ۶/۵ صبح تا ۲/۵ بعد از ظهر است) و چنین دلیل می آورد که دوندگی را در نظر بگیرید که تا فلان نقطه میخورد و باید و اگر یکسره بید در آخر خسته میشود و با سرعت کم میدود . ولی اگر وسط راه استراحت کند قسمت دوم مسافت را تندتر خواهد دوید . در این مورد هم جوابهای دندان شکنی راجع به چگونگی استثمار و کلکهای سرمایه دار شنید و نتیجه این شد که کارمانند سابق یکسره باقی ماند .

بهمنی که در اینجا هم تیرش بسنگ خورده بود ، گفت : اما سنا مه شورا را بدهید . پس از خواندن آن گفت : در اینجا کلمه ارتجاع بکار برده شده آنرا برای من معنی کنید . یکی دو نفر آنرا معنی کردند . بهمنی گفت : ارتجاع یعنی کهنه و قدیمی و چه چیز قدیمی تر از اسلام ؟ شاه این کلمه را برای اسلام بکار میبرد کارگری گفت : شاه خائن کلمات و معانی خاص خودش را بکار میبرد . مثلا به انقلابیون میگفت خرابکار و هر کس از حق دفاع میکرد به او میگفت ضد رژیم ولی ما حالا کلمات و فرهنگ انقلابی خودمان را بکار میبریم .

بهمنی مدت زیادی تلاش کرد که بنحوی کارگران یسا بخشی از کارگران موافق به حرفهای خود بکند . جلسه تا ساعت ۵ بعد از ظهر طول کشید که کارگران خسته و گرسنه در داخل دفتر و بیرون منتظر مانده بودند که نتیجه کار را بمانند . روحیه - شان روحیه مبارزه و حالت جنگنده ای بخود گرفته بود .

فردایش (چهارشنبه) مجمع عمومی کارگران تشکیل شد . کارگران بدفاع از شورا صحبت کردند . یکی از کارگران گفت : " بسم الله الرحمن ... میگویند که شورای ماکمو - نیستی است ، اول ما افتخار میکنیم اگر در شورایمان کمی نیست داشته باشیم . ثانیاً شورای ما تا بحال تمام کارهای اسلامی بوده و هیچوقت برخلاف اسلام کاری نکرده و همیشه طرف داری از کارگر کرده و ... " یکی دیگر از کارگران گفت : " برادران دیروز در جلسه آقای بهمنی اسامی چند نفر را که صحبت میکردند برده و جواب میدادند می پرسید و با داشت می کرد . این کاری است که ساواک میکرد . مگر ما از نوشتن اسم مان ترس داریم ؟ پس انقلاب برای چه کرده ایم و ... ؟ " (باید گفت اسامی تمامی اشخاصی را که بهمنی نوشت کارگران مسلمان و مبارز بودند) . در ضمن بهمنی در حین صحبت هایش گفت که ما دلیلی را که برای محکوم کردن شورا میخواهیم ستیم الان نتوانستیم بشورا نسبت بدهیم . (بهمنی بدین خاطر چنین حرفی را میزد که با مبارزه قاطع کارگران و طرف داری شان از شورا مواجه شد) . کارگران اصرار میکردند که بهمنی بیاید در مجمع عمومی (بقیه در صفحه ۴)

در پی توطئه و حمله برای انحلال شوراها از قبیل اخراج نماینده از ما نا بهمه عده ای دیگر و اخراج نماینده سیویل بنام " اخلاکگر " و انحلال شورای آنجا و همچنین استعفای شورای ماشین سازی پارس زیر فشار عوامل امپراتور - یالسم و ارتجاع و فدا انقلاب . در روز سه شنبه ۵۹/۲/۲۳ شخصی بنام بهمنی که خود را نماینده داستان انقلاب معرفی میکرد بهمه عده ای پاسدار به شرکت گسترش مسکن رفتند . جلسه ای با حضور شورای کارگری و سرپرستهای قسمتهای مختلف و رئیس کارگاه تشکیل شد . بهمنی گفت که : رئیس کارگاه به ما خبر داده که امروز انتخابات شورا است و چون شورا تا بحال کار شکنی کرده رئیس کارگاه از ما خواست که بیاییم اینجا و عملکرد شورا را در گذشته ببینیم ! بهمنی از اعضاء شورا سئوالات مختلفی کرد . شورا چگونه بوجود آمد ؟ چرا اسم شورا ، شورای کارگری است و شورای اسلامی کارکنان نیست ؟ و از این سئوالات که در حقیقت آدم بیادسین جیمهای ساواک و رکن ۲ ارتش میافتد . گاهی اوقات سرپرستها هم با او همصدا میشدند . هنوز چند دقیقه ای نگذشته بود که کارگران متوجه چنین قضیه ای میشوند . عده ای از آنها بطرف دفتر آمدند . از در و پنجره بداخل اطاق هجوم آوردند و در جواب سئوالات این نماینده داستان انقلاب شرکت جستند . بهمنی حضور کارگران را که می بیند خود را میبازد . از این بیعدترسان و لرزان و دست به عصا حرف میزند . گفت " الان دوران سازندگی است و انقلاب اسلامی ، باید پنجشنبه ها را هم کار کنیم و حتی جمعه ها ... تازه طبق قانون رسمی کار باید ۴۸ ساعت در هفته باشد و ... " کارگری جواب داد " چطور همه جسا ۴۰ ساعت کار میکنند و پنجشنبه ها هم تعطیل هستند ولی ما باید کار کنیم ؟ " بهمنی گفت که این ۴۰ ساعت کار در شرایط اعتصاب و تحسن رواج پیدا کرده که کاردرستی نیست . ما میخواهیم از اینجا کارخیری را شروع کنیم و پنجشنبه ها را کار بیاییم ... کارگر دیگری جواب داد : بروید از شرکت نفت و دیگر جاها که وضعیتن از ما بهتر است شروع کنید . کارگر دیگر : ما حاضر نیستیم بیشتر از این برای سرمایه دار کار کنیم . رئیس کارگاه : این شرکت دولتی است و سرمایه دار ندارد کارگر : اگر دولتی است چرا وضع ما تغییر نکرده و چرا ما رسمی نیستیم ؟ بهمنی : خوب برای سرمایه دار مگر نباید کار کرد ؟ کارگر دیگری با حالت برافروخته ای فریاد کشید : ما ۷۰ هزار کشته و چند صد هزار زخمی دادیم ، دشمن ما سرمایه دارها و آمریکا بودند . حالا بیاییم برای آنها کار کنیم ؟ بجای کار کردن برای آنها باید آنها را ساکمه و مجازات کنیم . بهمنی : شما قدرت اجرایی ندارید و مقامات به این موضوعات رسیدگی میکنند و ... بعد از صحبتهای زیاد شورا اعلام کرد که بنا برخواست کارگران که نظرشان برای ما

اقدامات ضد انقلابی برای پایمال

گردن دستاوردهای مبارزات کارگران

آب و برق پنجشنبه‌ها کار می‌رفتند (نمایندگان شورای سازمان آب و برق را دستگیر و زندانی کردند. گفته می‌شود شورای مرکزی سازمان آب و برق تهدید کرده که اگر این نمایندگان آزاد نشوند بطور سراسری دست به اقدامی برای آزادی آنها می‌زند.

۳- کشت و صنعت در پی بوجود آمدن یک درگیری مصنوعی و صحنه‌سازی بین عده‌ای از مردم شوش و ذوقول با کارگران مبارز کشت و صنعت، تعداد زیادی از کارکنان مبارز که اعضاء شورای شرکت راه‌مد ربر میگیرند را اخراج کردند.

۴- شرکت نفت ۶۲ نفر از افرادی را که کارکنان شرکت نفت بخاطر همدستی با رژیم محمدرضا خائن و ساواکی بودن یا وابسته بودن تصفیه و پاک‌سازی کرده بودند، بدستور معین فروزیرفت، به سرکار بازگردانده و در بعضی ادارات این عمل با حمایت پاسداران مسلح به ۳- رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت. این کار عکس‌العملی گوناگونی را در میان زده و در عین حال شروع به زمینه‌سازی برای تصفیه عناصر انقلابی برای به‌مزدن شوراهای و کاردر پنجشنبه‌ها کردند. در هفته گذشته بدنبال دعوت شورای مرکزی شرکت نفت اهواز ۸۰ تا ۹۰ درصد کارکنان دور هم جمع شدند، شوراران تأیید نمودند، بازگرداندن ۶۲ نفر عمارت مزدور رژیم پیشین را بر سر کار محکوم نمودند، همه یکصد و متحداً اقدامات دولتی شورای انقلاب را در این زمینه‌ها مردود دانستند. اخلال‌گری تعداد معدودی که سعی می‌کردند با "تکبیر" و "بر منافق لعنت" گفتن جورا بهم بزندان هم کوچکترین تأثیری نگذاشت، دوروز بعد عادل اسدی نماینده شورای ملی از اهواز عضو حزب جمهوری اسلامی در یک سخنرانی که از ادب و هوسواز پخش شد، تهدید کرده که بیشتر کارکنان شرکت نفت کمونیست هستند، یا کارفرمندی تصفیه شوند. من (یعنی جناب عادل اسدنی) از طریق مجلس واگرنشده کمک مردم به این ادارات میرویم و این‌ها را بیرون می‌ریزیم!!

۵- در چند شرکت کوچک ساختمانی تا بحال نمایندگان شوراهای دستگیر و یا اخراج کرده اند. جمله نماینده شرکت سیویل را. نماینده شرکت فریدن را بیرون کردند. بعد بخاطر اعتراض کارکنان برگردانده اند. فعلا در حال زمینه‌چینی برای اخراج نمایندگان شوراهای و کارکنان مبارز و بهم‌زدن شوراهای واقعی هستند. چند وقت پیش نماینده دادستان با ۴ پاسدار مسلح به شرکت گسترش مسکن رفته، شروع به بازجویی می‌کنند تا با اصطلاح خودش به بند شوراهای اسلامی هست یا نه، با مبارزه و مخالفت شدید کارگران مواجه می‌شود و عقب نشینی می‌کنند.

خلامه سیاست دولت روی هم‌رفته در وهله اول این بوده که هر جا توانسته اختلافات را دامن بزند و بعد دخلت کند و

(بقیه در صفحه ۸)

بدنبال جمله شورای انقلاب و رئیس جمهور به نهاد های انقلابی و امتیازاتی که طبقات و اقشار مردم با مبارزه به جنگ آورده بودند، در پی سیاست رئیس جمهور برای برقراری "امنیت" گذاشیش بخاطر استعمار هر چه بیشتر زحمتکشان وطن ما و بدست آوردن دل سرمایه‌داران وابسته و امپریالیستها، و به دنبال اعلام جناب رئیس جمهور که "شورا، پورا مالیده" (چرا که سرمایه‌داران "نظم و امنیت و قانون" میخواهند و شوراهای کارگری و نهادهای انقلابی مانع پیشبرد این هدف هم‌مسلمان رئیس جمهور هستند) حملات ارتجاعی از طرف کارفرمایان و کارگزاران امپریالیستها، دادگاه‌های انقلاب، روحانی-نماها و عده‌ای اوباش به شوراهای کارخانه‌ها و کارگاه‌های مختلف این شهر (اهواز) گسترش یافت. این اعمال مبارزات کارگران و زحمتکشان را هم‌دامن زده است. در حمله به شوراهای و پس‌گرفتن امتیازات دیگر در بعضی جاها پیروزی موقتی با آنها بوده و بعضی جاها دیگر عکس‌العمل شدید کارگران رو برآورده و حمله‌کنندگان موقتا عقب نشستند.

۱- صنایع فولاد در پی اخراج و زندانی کردن عده‌ای از کارگران مبارز فاسترویلر-تهران جنوب حدود ۳۰ تن از کارکنان "مانا" را اخراج کردند که بیشتر آنها را کارگران مبارز و اعضاء شوراهای این شرکت تشکیل میدادند. اسامی دیگری هم برای اخراج آماده کرده‌اند. رئیس قبلی شرکت "مانا" (لاهوئی) که بخاطر زدنیها و چپاول شرکت و همدستی با رژیم گذشته بوسیله کارکنان بیرون انداخته شده بود دوباره به کمک خارقانی، رئیس صنایع فولاد، به سرکار بازگردانده شد که از روز اول برای کارگران شاخ و شانه کشید (یعنی من همان هستم که بودم). طبیعی است که کارگران راه‌م‌جری ترک کرده است. خارقانی رئیس صنایع فولاد این افسر سابق سنتو، برای اخراج کارگران مبارز ماشین‌سازی فارس (شرکت پیمانکار صنایع فولاد) در حال زمینه‌چینی است، که با مبارزه کارگران این شرکت مواجه شده. کارگران دوباره دارند خود را متشکل می‌کنند. اختلاف بین عده‌ای که طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند مثل سیدها شمو و رودسته‌اش با خارقانی هم‌بالا گرفته. ایسین دا رودسته قبلا مجری دستورات خارقانی برای تصفیه‌ها و متحد او بودند. این اختلافات بر سر بعضی سیاستهای خارقانی که حتما وابسته به جناح دیگر هیئت حاکمه است می‌باشد. (گویسا مقامات دولتی خیال تعطیل کردن این مجتمع و بیکار کردن نزدیک به ۱۲۰۰۰ نفر را دارند. آقای سحابی در اطلاعات ۱۰-۱۰-۱۰ داد "می‌فرمایند": "...بسیاری از طرحهایی که معوق مانده را بکلی حذف کرده و یا لااقل فعلا متوقف خواهند ساخت زیرا فرما نمی‌شود ۱۲ هزار کارگر در صنایع فولادسازی اهواز کارگسر باشند و این طرح همچنان بلا تکلیف باقی بماند")

۲- آب و برق بدنبال اعتراض کارکنان سازمان آب و برق و مبارزه آنان بر سر تعطیلی پنجشنبه‌ها (کارکنان

مبارزه قابل ستایش کارکنان صنعت

نفت اهواز در امر پاکسازی

"شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز" ماهاست که پیگیرانده در راه پاکسازی و تصفیه عوامل سرسپرده رژیم شاه مخلوع کوشیده و در این مدت با مواضع بسیاری از رئیس جمهور تا روسای معلوم الحال شرکت نفت (نزیه و معین فر) دادند. ستانی کل انقلاب نیز روبرو شده اند، ولی دست از خواسته بحق و انقلابی شان برنداشته اند. برآستی گداین پیگیری انقلابی و استقامت قابل ستایش میباشد. متاسفانه ما قادر نیستیم (به علت محدود بودن صفحات نشریه) گه تاریخچه این مبارزه پیگیرانده تمام ما در اینجا درج کنیم و در مقابل کارشکنی های مسئولین با مصلح "انقلابی" رانیز اساء ما نسیم و مجبوریم نکته و ارمساله را با زکوکرده و قطعنا مه آخرین شورارا درج کنیم.

"شورای انقلاب اسلامی

... در تاریخ ۵۸/۸/۲۰ ، لیستی ۷۰ نفری را منتشر کرده و تصفیه آنها را با ذکر جرائم و مجازات اعلام می نماید. این عده بدرستی بمثابه افرادی فدکارگر، فدا عتیاب، ضد مردمی و دزد و فدا انقلاب معرفی شده بودند. اما از همان ابتدا مدیریت وزارت نفت به کارشکنی می برد. تصمیم شورارا بلاشر اعلام مینماید و در این راه شورابا دادستانی انقلاب و رئیس جمهور و احکام آنها که تصمیم شورارا لغوشده اعلام کردند، روبرو میشود، ولی دست از مبارزه نمیکشد. معین

فر (که بتازگی همکاریش با ساواک و مدال گرفتنش از "علیحضرتش" فاش شده) "کمیسون پاکسازی" قلبی ترتیب میدهد که هیچ کار مثبتی انجام نمیدهد. ولی کارکنان و کارگران و "شور" را "برپا فشاری خسود مبنی بر اخراج این عده ۷۰ نفری می افزایش.

بالاخره در اشراف شورارا "کمیسون پاکسازی وزارت نفت" در تاریخ ۵۹/۲/۹ اطلاعیه صادر کرد. ظاهرا تصمیم به برکناری و بازنشستگی و تعلیق ساواکی ها و فراموشی و کسانیکه چرم سنگینی داشته اند را میگیرد. در ضمن یادآور میشود که گسانی که اخلاص در امورکننده، با آنها قاطعانه عمل خواهد کرد که در واقع اخلاص مجدد به شورارا و کارکنان انقلاب بود. او آب تطهیر پاشیدن بر سر عناصروا بسته به رژیم سابق. کارکنان با زهم گول چنین وعده و وعیدها را نخورده و از شورارا خواستار پاکسازی و تصفیه صنعت، نفت از وجود عناصر خائن شدند.

شورارا نیز در اطلاعیه ای در تاریخ ۵۹/۲/۱۰ اعلام کرد که تلفنگرام فوق هیچ گونه ارزش و اعتباری نداشته و اطلاعیه های پاکسازی مورخ ۵۸/۱۱/۲۰ و ۵۸/۱۰/۱۱ کان بقوت خود باقی است. و از کارکنان خواست که از ورود اینگونه افراد به محل کار جلوگیری کنند. بدنبال آن یک مجمع عمومی در رابطه با پاکسازی در تاریخ های ۵۹/۲/۲۷ و ۵۹/۲/۲۹ را بر-

نا تهریزی میکنند.

مجمع عمومی ساعت ۷/۲۰ صبح در محل مجتمع صنعتی کارون اهواز برگزار شد و با استقبال بی نظیر کارکنان روبرو گردید. جمعیتی بیش از هزار نفر از کارکنان صنعت نفت اهواز در آن شرکت کردند. مجمع عمومی با تلاوت آیاتی از قرآن آغاز شد. سپس سخنرانی شادروان طالقانی در مورد شورارا (به خصوص شورای شهرسندج) سخن گردید. سپس سخنرانی چند تن از نمایندگان شورادرباره پاکسازی و سنگ اندازی های مقامات مسئول و گزارش دادند. اعضای شوراتمامی وعده و وعیدهای دادستانی انقلاب و شرح ملاقاتها پیشان با حجت الاسلام سید احمد خمینی دادند. بالاخره پس از گزارش دهی و روشن شدن اینکهمقامات مسئول دولت، با مصلح انقلابی فقط و فقط در راه پاکسازی سنگ اندازی کرده اند، قرار شد که شورادرسورت عدم همکاری مقامات از کارکنان بخواهد که خود را سادست به اقدام زده و چنین افرادی را اخراج نمایند. ما در زیر قطعنا مه مجمع عمومی را که بتصویب کلیه کارکنان مبارز رسیده است می آوریم:

۱- ما کارکنان صنایع نفت اهواز (تولید و اکتشاف - لوله سازی - گاز - پخش - خطوط لوله و مخازن - عملیات غیر صنعتی) مصرانه خواهان پاکسازی و تزکیه صنایع نفت از لوث وجود سرسپردگان رژیم منحط پهلوی

و سلطه گران جهانی وسوء استفاده کنندگان بیت المال بوده و تقاضای رسیدگی سریع و عادلانه به پرونده های متشکله را داریم.

۲- رسیدگی به مساله پاکسازی و جرائم مجرمین و متهمین در صنایع نفت باید در محلی طی سال و بدور از اعمال نظر و تحب و بغض های شخصی و انتقام جویانه و با بی طرفی کامل و مطابق با اصول و موازین شرعی و عدل اسلامی تحقق پذیرد.

۳- ما کارکنان مسلمان و متعهدتا رسیدگی نهائی و صدور احکام تطمی از سوی مقامات مالعه با جدیت کامل از ورود و حضور افراد مشمول پاکسازی به محل کارشیدا جلوگیری خواهیم کرد.

۴- ماضی آنکه خواسان پیگیری مداوم و بی امان پرونده های افراد مشمول پاکسازی مطابق با لیست های اعلام شده قبلی شورای مرکزی هستیم قاطعانه تقاضا داریم که در صورت عدم حصول نتیجه مطلوب از سوی نهاد مرکزی انقلابی شورای مرکزی در اسرع وقت کلیه اسناد و مدارک جمع آوری شده را در محلی مناسب نصب تا کارکنان صنعت نفت و دیگر هموطنان مسلمان و صدیق آنها رجائات و خیانات آنها را دیده و به اهمال و سهل انگاری مسئولین نیز پی بیزند.

۵- ما خواستار تعقیب و مجازات کسانیکه هستیم که با اهمال و سهل انگاری و تلاف وقت در امر پاکسازی موجبات ترکید

اخراج کارگران مبارز

را درهم شکنیم

و منظور دیگری را دنبال میکنند که در واقع کار ملا در فدیت با هدف شورائی شدن است، درست در زمانیکه شورای کارگران سمینار بررسی علل و موانع پیشرفت تولید را برگزار کرده بود و میکوشید تا در این زمینه ملاحظاتی نماید، در زمانیکه شورای سعی میکرد کارگران نقش بیشتری را در اداره امور کارخانه داشته باشند و عوام مل استا ندار و مدنی و موسوی که تحت نام کارگران مسلمان پیرو خط امام متشکل شده اند با ایجاد اغتشاش در کارخانه پای حضرات فوق الذکر راه کارخانه باز نموده و اعلام نخلال شورای کارخانه را نمودند ولیکن اکثریت قریب به اتفاق کارگران که علیه این حرکت ضد شورائی بودند با شعار "پیام لقا نی شهادت است و شورا" در برابر این دا روده که اقلیت نا چیزی در کارخانه هستند ایستادند و پشتیبانی خود را از شورا نشان دادند و همچنین با جمع آوری امضاء در طومار چندمتری نشان دادند که مدافع نمایندگان واقعی خود هستند، ولیکن دولت بنا میگذارد که شورای هیئت فرستاد تا این هیئت تعیین شده از طرف دولت با همکاری دا روده است. ای که در آن رفت و در واقع عوام مل همین هیئت خاکمه در کارخانه هستند دست به تصفیه کارکنان کارخانه بزنند، زیرا که جناب بنی صدر و شورای انقلاب فرمان درهم شکستن تمام مخالفینشان را صادر کرده و دستور نخلال شوراها را هم داده بودند و اعمال این استبداد شاهنشاهی را هم حفظ امنیت و افزایش تولیدنا میدهند.

*

دیناری بحال ملک و ملت سودمند نبوده اند خطا رمی - شود قبیل از آنکه خشم انقلابی و توفنده توده های متعهد و مسلمان آنان را خرد کرده و از ادارات بیرون بیندازد، خودشان تا روشن شدن نهائی وضعیت خویش از حضور در محمل کارا کیدا خودداری نمایند.

۹ - شورای اسلامی کارکنان طرف چند روز آینده اقدامات انقلابی و قاطعانه های در ارتباط با قطع حقوق و مزایا و تخلیه منازل و ممنوعیت استفاده از امکانات صنعت نفت را به عمل خواهد آورد.

۱۰ - شورای انقلاب اسلامی صنایع نفت اهواز اعلام می دارد که برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و راه های

روز ۴ شنبه ۳۱ اردیبهشت نتیجه تصمیمات هیئتی که از طرف دولت به نام "هیئت پاکسازی" تعیین شده بود در ماهین سازی اعلام گردید و قعلا اساسی ۵۲ نفر را برای اخراج اعلام نمودند و از قرار معلوم اساسی عده ای دیگر نیز بزودی اعلام خواهد گردید. همین هیئت قرار است بزودی در کلیه کارخانه نجات به تصفیه ها ئی دست بزند، لذا بررسی نمونه ماهین سازی بیانگر حرکت آینده آنها خواهد بود. از این ۵۲ نفره ۲ نفر عوام مل رژیم منفور سابق بودند که قبلا با از ترس خشم کارگران فرار کرده و با توسط خود کارگران اخراج شده بودند و جرئت بازگشت به کارخانه را نداشتند و از نظر کارکنان همه آنها اخراج شده بودند و در واقع حالا بعد از گذشت بیش از یکسال تا زهدان رسمیت داده شده است. و اما از ۳۲ نفری که شامل این حکم اخراج شده اند ۷ نفر از عوام مل رژیم سابق هستند که طبیعتا اخراج آنها خواست کلیه کارکنان مبارز بوده و بر سرش بحثی نیست. از ۴ نفر دیگر مدیران کارخانه نجات مختلف که شامل این حکم گردیده اند که بگذریم میماند ۲۱ نفر دیگر که اخراجشان در واقع بخاطر عقاید آنان صورت گرفته است و اینجاست که زنگ خطر استبداد و تفتیش عقاید بیه صدا در آمده است، بخصوص اینکه زهم اکنون روشن است که با اصطلاح پاکسازی فقط شامل این عده نیست و در لیست بعدی اساسی عده زیادی از مدافعین حق کارگران و آزادیخواهان به چشم خواهد خورد..... با یک نظریه آنچه که امروزه تحت نام پاکسازی در جریان است میتوان فهمید که این پاکسازی هدف

مبارزه قابل ستایش (بقیه از صفحه ۱۲)

صنعت نفت و بیعلاقگی و دل سردی کارکنان مسلمان و متعهد شدند مانند نریه - هیئت تریه - معین فر، مرشد، هیئت معین فر و اصلا کسانی که تا حالا از سوی مقامات ما مور شده اند برای پاکسازی و کاری نکردند.

۶ - کسانی که با پشتکار و همت شورای مرکزی روانه زندانها شده و یا ضمن احضار به دادستانی کل در تهران مورد مواخذه قرار گرفته و حقوق و مزایای آنها نیز قطع گردید بنا به عللی که دلایل آن هنوز برمانیز پوشیده است از زندان و تعقیب دادستانی گسیل رها ئی یافته و یا در نقاط

مختلف کشور و بویژه تهران ما حب مقام و منصب شده اند مانند رفوفی ها - الیرزی ها دکتر فامیلی ها که با پند از ادا مه کارشان در آنجا نیز قاطعانه جلوگیری شده و مجددا به پای میز محاکمه کشیده شوند.

۷ - ما قاطعانه خواهان انتشار و افشاء لیست ساوا - کیهای صنایع نفت میباشیم.

۸ - به کلیه عنا صرافی که مشمول امر پاکسازی گردیده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون با کمال وقاحت و بیشرمی حقوق های کلان از صندوق بیت المال مسلمین دریافت داشته و

در تکثیر و پخش
حقیقت
ما را یاری دهید

نکاتی درباره بودجه ۵۹

بقیه از صفحه ۱۵

تجاریا زرگانان بزرگ سرازیر میگردد، تورم افزایش مییابد و بالاخره فشا رشدیافتادگی بدوش مصرف کنندگان، یعنی زحمتکشان جامعه می افتد. یک دولت ملی اگر واقعا بخواهد از درآمد رزی خود استفاده صحیح بکند، به معنای آن که آنرا وسیله ای برای رهایی از وابستگی قرار دهد، اساسا باید درآمد رزی را نه صرف واردات کالاها مصرفی بکند بلکه صرف واردات کالاها سرمایه ای بنماید. ما بیشتر واردات این مبحث نمی شویم.

بنظر میرسد که دولت کنونی همان سیاست خانمان برافکن را در مورد درآمد رزی حاصله از نفت دنبال میکند. بر مبنای بودجه سال ۱۳۵۹، این درآمد رزی به مصرف ازدیاد تولید داخلی نرسیده، بلکه صرف واردات کالاها مصرفی خواهد گردید. این همان سیاستی است که به "اقتصاد مصرف" شهرت یافته و گویا سردمداران "منقلب" مملکتی در حرف، فقط در حرف، خیلی هم ضدش هستند، ولی در عمل دقیقا همین سیاست اقتصاد دیربها دده را دنبال میکنند.

این سیاست و این بودجه باعث میگردد که با زنده ای از تجاریا زرگانان بزرگ ودلالان وابسته و... از قبل واردات هر روز افزایش یابند، استفاده های کلان ببرد و به دوشیدن مردم مشغول باشند. و از طرف دیگر کارگران و دهقانان و زحمتکشان با اصلی مفتخوری این انگلهای اجتماعی را بردوش بکشند و در فقر جانسوز تفرور ببروند. مطمئنا تاثیرات اجتماعی این روند خود را در جوش هر چه بیشتر مبارزات تهیدستان و طبقات کم درآمدجا معا بروز خواهد داد.

ما با زهم بیشتر درباره بودجه ۵۹ خواهیم

نوشت (ادامه دارد)

کارگران محتاج صدقه نیستند

بقیه از صفحه ۱۶

ارزاق عمومی و مسکن و همسه چیز پیدا میکنند، وزارت کار برچه مینا و پایه ای حداقل دستمزد را فقط ۶۳۵ ریال اعلام میکنند و تازه با استفاده از این افزایش میخواهد خود را مدافع کارگران همجسا بزند.

آخردر دورانی که اجاره یک اطاق در گوذهای جنوب شهر از ۶۰۰ - ۷۰۰ تومان پائین تر نمی آید، و هیچ میوه ای از کیلوئی ۲۰ - ۳۰ تومان ارزان تر نیست و مرتبا همگران ترمیشوند و یک بسته سیگار ایرانی از ۵ تومان کمتر گیر نمی آید (اگر اصلا گیر بیاید!!) چگونه یک کارگر خرج زن و بچه را با ماهی ۱۹۰۰ تومان (اگر هر روز ماه را هم کار بکند) میتواند تامین کند. وزارت کار و معاون سر سپرده اش بهتر است از این گونه صدقه ها به کارگران ندهند.

بعد از پرس و جوی بسیار بالاخره وزارت کار پایه واساسی برای افزایش ۶۸ ریالی حداقل دستمزد پیدا کرد و آن هم یک دروغ بیش نیست. توجه کنید جناب ستاری پور "میفرمایند": "با مطالعه تی که روی قیمت کالای مورد مصرف و ضروری کارگران انجام گرم و نظربه اینکه افزایش قیمت این کالاها در سال گذشته در مجموع چندان زیاد نبود، با توجه به ۱۲ درصد نرخ تورم که توسط بانک مرکزی اعلام

بقیه از صفحه ۹

مبارزه بر سر مساله مسکن

مسکن

بود که "اگر مردم از اینجا نروند حکم تیرباران بگاشی را خواهد داد". بهر حال بگاشی هنوز آزاد نشده و مبارزه مردم ادامه دارد. این مبارزه به علت نداشتن یک رهبری صحیح و خود بخودی بودن نتوانست سمت و سوی صحیح بخود گیرد و آنقدر از این طرف به آن طرف کشیده شده که منجر به پراگندگی گشته و نتوانست علیه غم داشتن چنین نیروی مادی، نه به خواست خود برسد و نه بر آگاهای کارگران واقعا و طبقات دیگر در این زمینه تاثیر بگذارد. هم اکنون اهالی سا ختما نها منتظر یورش بعدی خسرو شاهی و مسولین دیگر به سا ختما نها هستند و خود را برای مبارزه آماده میکنند. طبیعی است که سیر حرکت و نتیجه این مبارزه بخشا درگرو همت نیروهای آگاه است.

شکین شده بودند و بطرف فلخالی حمله و زدند. فلخالی بر زیر فشار مجبور شد بگوید "ما بگاشی را آزاد میکنیم" ولی جمعیت فریاد زد "همین امشب! و فلخالی نیز قبول کرد. در اینجا با ردیگر رهبری بعوض اینکه تا خروج بگاشی از زندان و نشان دادن این واقعیت که مردم میتوانند خواست خود را بگیرند، مردم را متشکل نگه دارد، فریاد "درود بر فلخالی" سردادند و از مردم خواستند که متفرق شوند چرا که دیگر کار را تمام شده میدیدند.

روز بعد با ردیگر مردم که بخواسته شان نرسیده بودند در مقابل دادستانی جمع شدند و تا شب در آنجا متحصن بودند ولی جواب موسوی ردیابی به نمایندگان این



نکاتی درباره بودجه ...

(بقیه از صفحه آخر)

به مستخدمین دولتی میگردد.

" هزینه های عمرانی " که اسم غلط اندازی است ، همانطور که از جدول بالا مفهوم میگردد ، اساسا هزینه های نوین و سرمایه گذاری های جدید در رشته ها و امور مختلف را در بر میگیرد . اساسا فقط میتوان سرمایه گذاری در بخش " امور اقتصادی " را واقعاً هزینه های عمرانی نامید ، هزینه هایی که به از دید تولید کمک میکنند . وگرنه هزینه های عمرانی در بخش امور عمومی که اساسا مصرف ساختمان و تاسیسات دولتی (مانند ساختمان ادارات ، زندان و ...) میگردد ، هیچ گونه کمکی به تولید نمی نماید و یا به همین ترتیب در بخش خدمات و یا " امور اجتماعی " .

هزینه های عمرانی در بخش " امور اقتصادی " به دو بخش زیربنایی و سرمایه گذاری های صنعتی ، کشاورزی و تجارتی تقسیم میشوند و بقول آقای سبحانی ، وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه " ... در سال جاری سهم بخش تولید و هزینه های عمرانی را به سبب شرایط کشور بالا بردیم و از سهم هزینه های زیربنایی و با توجه به اصل اهمیت و اولی الامر ... کم کردیم " (کیهان ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۹) .

فقط با نگاهی اجمالی به ارقام در جدول و نسبت های آنان به وضع اسفناک بودجه و عواقب خانمان برافکن آن می توان پی برد .

هزینه های عمرانی در بخش تولیدی جامعه (۶۷۱۵۵۲ میلیون ریال) فقط ۲۳٪ از کل بودجه را تشکیل میدهد و تازه اکثر آنهم بقول آقای سبحانی بنا بر اصل " اهمیت اولی الامر " صرف کارهای زیربنایی نمی گردد . این به معنای آنست که بودجه بسیار کمی به بخش تولیدی و زیربنایی اقتصاد اختصاص داده شده و کاملاً منطبق بر سیاست حفظ وابستگی به درآمد نفت است . با این سیاست ایران هرگز نمی تواند اقتصاد ملی و متکی به تولید داخلی را پی ریزی کند و بماند همیشه یک بازار مصرفی برای کالاهای امپریالیستی باقی میماند . جناب سبحانی که به اصل " اهمیت اولی الامر " اعتقاد دارد خود اذعان دارد که " ... مسلماً افزایش و دامنه زدن به عدم تعادل موجود بین حجم هزینه فعالیت های تولیدی و عمرانی دولت و حجم هزینه های جاری و مصرفی در این راستا (استقلال اقتصادی) نیست و در جهت عکس آن یعنی وابسته کردن اقتصاد ایران خواهد بود " (اطلاعات ۱۰ خرداد ۱۳۵۹) . از بودجه ۱۳۵۹ معلوم میگردد که چه کسانی با حفظ همان نظامات و سیاستهای دوران " طاغوت " به کدام سمت و سواقتصاد ایران را رهنمون میگردند .

زمانیکه مقدار ناچیزی به پی ریزی اقتصاد اختصاص مییابد ، ولی در عوض بخش قابل توجهی از بودجه صرف چرخاندن چرخ بورکراسی دولت میگردد ، نتیجه ای جز عمیق تر کردن بحران و رکود در صنایع و کشاورزی ، افزایش سرسام آور تورم ، رشد بیکاری و فشار فوق العاده بردوش کارگران و زحمتکشان نخواهد داشت . باز هم خود آقای سبحانی می فرماید : " ... با توجه به وجود تمایل خطرناک در مالیات کشور به جهت متورم شدن بیشتر بودجه جاری به بودجه عمرانی کشور و قبول تعهدات و پرداختهای گوناگون که عملاً مناسبتی با بازده تولیدی کشور ندارد . بدون شک ادامه این روند در سالهای بعد امکان پذیر نبوده و کشور را با بحران مالی و اقتصادی بسیار عمیقی مواجه خواهد ساخت که بیرون آمدن از آن اگر غیرممکن نباشد قطعاً سخت تر و دشوارتر از شرایط کنونی خواهد بود " (اطلاعات ۱۰ خرداد) و چه کسانی با تصویب بودجه ۱۳۵۹ عملاً کشور را اقتصاد را بسوی ورشکستگی کاملاً سوق میدهند ؟

زمانیکه اساس درآمد دولت از نفت تا مین میگردد ، و زمانیکه درآمد نفت نه صرف کارهای عمرانی ، تولیدی و زیربنایی بلکه اساساً صرف سرمایه گذاری بوروکراسی دولست میگردد ، وابستگی هر چه بیشتر به امپریالیستها و آغوشی هر چه بیشتر اقتصاد را بهمراه می آورد . (شکافتن یک نکته در اینجا مهم است . عده زیادی فکر میکنند که صرف از دید درآمد نفت بمنفع اقتصاد ایران خواهد بود . این امر و این توهم کاملاً اشتباه است و چنانکه در دوران رژیم خائن شاه نیز دیده شد ، نه تنها از دید درآمد نفت " شکوفایی " و " ثبات " اقتصادی بیبارنیآورد ، بلکه خود یکی از عوامل تسریع رکود و بحران اقتصادی ای بود که هنوز هم گریبانگیر اقتصاد ایران است . درآمد نفت بصورت ارزهای معتبر جهانی چون دلار ، فرانک ، مارک و ... به حساب ایران ریخته میشود . مهم آنست که این درآمد چگونه به مصرف میرسد و برمتن کدام نظام اجتماعی - اقتصادی حرکت میکند ! گزردولت دست به انتشار اسکناس بربمبانی " پشتوانه ارزی " خود بزند ، کاری که رژیم شاه با رها انجام داد ، چون تولیدی بدان صورت افزایش نیافته است ، به تورم شدید منجر میگردد . کاری که اساساً تاکنون با این درآمد نفتی و ذخیره ارزی حاصله از آن انجام گرفته است این بوده که آن را به مصرف واردات عظیم رسانده اند . فرآیند کالای ریسادگی چنین است : تجار و بازرگانان واردکننده به بانکهای ایران مراجعه میکنند و برای ورود کالا ریال می پردازند . بانکها بحساب آنها در خارج ارز معتبر معتبر و ارزی میکنند که این تجار و بازرگانان با این ارز کالاهای وارداتی را خریداری و به ایران وارد میکنند . دولت ریال دریافتی از بازرگانان و تجار را به صورت حقوق و دستمزد کارکنان و مستخدمین دولتی به بازار برمیگرداند . این چگونگی به گردش درآمد در اقتصاد است . این فرآیند مرگبار عواقب وخیمی برای اقتصاد ایران بهمراه آورده است . درآمد نفت سریعاً به جیب امپریالیستها باز میگردد ، بازاریاران به تصرف کالاهای بنجل امپریالیستی درآمد و در نابودی بخش ملی اقتصاد سهم سهمی بازی میکنند ، سود سرشار و کلان به جیب عده معدودی از (بقیه در صفحه ۱۴)

نکاتی درباره بودجه

۱۳۵۹ (۲)

در شماره پیش (۷۴) "حقیقت" مختصری درباره بودجه سال ۱۳۵۹ محبت کردیم و مشخصاً پیرامون منابع تا مین بودجه منابع در آمد دولت نکاتی را برشمردیم. در این شماره به ادامه بررسی بودجه می پردازیم.

بودجه چگونه به مصرف می رسد؟ تاثیرات و عواقب آن: برطبق "خلاصه بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۵۹" کسدر روزنامه های خبری (با مداد خرداد ۱۳۵۹) به چاپ رسیده است، هزینه های دولت به دو بخش "هزینه های جاری" و "هزینه های عمرانی" تقسیم می گردد و اساساً در رشته های "امور عمومی"، "امور دفاعی"، "امور اجتماعی" و "امور اقتصادی" به مصرف می رسد. جدول زیر که از "خلاصه بودجه" استخراج گردیده است میتواند دیداری دهنده باشد:

تقسیم بودجه سال ۱۳۵۹ در رشته های مختلف

میلیون ریال

عنوان	هزینه های جاری	هزینه های عمرانی
امور عمومی	۲۲۵۲۵۲	۴۹۵۸۷
امور دفاع ملی	۳۷۷۱۶۵	-
امور اجتماعی	۱۸۰۸۲۳	۲۱۰۱۰۷
امور اقتصادی	۲۹۶۲۲۵	۶۷۱۵۵۲
متفرقه	۷۴۱۴۳۵	۸۵۷۵۲
جمع کل	۱۸۲۰۹۰۰	۱۰۱۷۰۰۰

(لازم به تذکر است که ما مورثا میرده دریا لا خود به رشته های مختلف شکسته میشوند که در مباحث بعدی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مثلاً بخش اعظم هزینه امور عمومی به "حفظ نظم و امنیت داخلی کشور" اختصاص می یابد - ۱۴۰۲۰۲ میلیون ریال - امور اجتماعی اساساً هزینه های "آموزش و پرورش"، "بهداشت، درمان و تغذیه"، "تامین و رفاه اجتماعی" و "مسکن" را دربر میگیرد. هم‌انطور که گفتیم در مباحث بعدی این نکات بیشتر مورد بررسی قرار خواهند گرفت.)

بطوریکه از جدول بالا برمی آید "هزینه های جاری" ۶۴٪ از کل بودجه را بخود اختصاص میدهد و در عوض "هزینه های عوامی" فقط ۳۶٪ از کل بودجه را دربر میگیرد.

"هزینه های جاری"، هزینه هایی هستند که برای گرداندن چرخ دولت و مؤسسات وابسته به آن چون ارتش، شهربانی، ژاندارمری ادارات و احتیاج است مانند پرداخت حقوق و دستمزد کارمندان و مستخدمین دولتی - کمکهای بلاعوض (سوسیدها) تداوم کار مؤسسات - انتفا - عی "دولتی چون ذوب آهن و آنطور که خود مسئولین و مقامات دست اندرکار را اعلام کرده اند بیش از ۸۰٪ از هزینه های جاری صرف پرداخت حقوق

(بقیه در صفحه ۱۵)

کارگران محتاج صدقه نیستند!

(در حاشیه افزایش حداقل مزد کارگران)

اخیراً با زهم سید علی ستاریور، معاون وزارت کار، برای یکبار دیگر افزایش حداقل دستمزد کارگران از ۵۶۷ ریال به ۶۲۵ ریال در روز اعلام کرد (منظور ما این نیست که افزایش مجددی صورت گرفته است، بلکه منظور ما این است که افزایش از ۵۶۷ تا ۶۲۵ ریال از اول سال جاری تاکنون چندین بار تکرار شده و اعلام گردیده است!!)

زمانیکه وزارت کار و دولت حامی مستضعفان این افزایش ۶۸ ریالی دستمزد حداقل را اعلام کرد، بسیاری از کارگران به حق و بیدرستی سؤال کردند که در این دوران نیکه گرانی سی بقیه در صفحه ۱۴

چه کسانی با

آتش زدن کارخانه ها

مانع انجام کارشان میشوند؟

اخیراً اخباری در روزنامه ها مبنی بر آتش سوزی در انبار کارخانه قند در فولادریج گردیده بود. اطلاعاتی در این مورد بدست ما رسیده است که ذیلان نقل می کنیم و نشان دهنده این موضوع است که این آتش سوزی نه از روی سهل انگاری و اتفاقی، بلکه عمدتاً و بمنظور خرابکاری از جانب اشخاص وابسته به رژیم گذشته صورت پذیرفته است:

آتش سوزی ساعت ۳ بعد از ظهر از انبار چکها شروع و به انبار اصلی که قطعات اصلی کارخانه در آنجا میباشند سرایت میکند. در ابتدای شروع آتش سوزی، محدود شده آن بسیار کم بوده ولی با ریختن آب بروی آتش، آتش شعله ور شده و از کنترل خارج میگردد.

(بقیه در صفحه ۸)

مبارزه

بر سر مسأله مسکن

صفحه ۹